

رزق و رزاق

از دیدگاه

مقدمه

آنچه به شکم جاندار می‌رسد و با آن تغذیه می‌کند اطلاق می‌شود. (رازق) به خالق رزق و عطاکننده رزق و آن کسی که سبب رزق می‌شود هم گفته می‌شود. بنابراین (رازق) در حقیقت خدای متعال است و به انسانی که در وصول رزق سبب می‌شود هم گفته می‌شود. ولی (رازق) به جز خدای متعال به کسی گفته نمی‌شود.^(۱) (رزق) در تعبیر دیگر به معنای روزی و هر چیزی که از آن نفع بردارند و موسوم به (جیره) است، گفته می‌شود.^(۲) و در تعبیر دیگر آمده که علاوه بر معنای معروف، به آمیزه‌ای از عطا و بخشش نیز گفته می‌شود.^(۳) در وضع اول اختصاص به غذا دارد مانند (و علی المولودله رزقهن و کسوتهن)^(۴) بر صاحب فرزند [پدر] است که خوراک و پوشش مادر فرزند را بدهد. در این آیه (کسوه) رزق شمرده

• مقدمه:

یکی از موضوعات بحث‌انگیز و مهم قرآنی مسأله [رزق و رزاق] می‌باشد. روشن شدن ابعاد این مسأله علاوه بر تصحیح برداشت‌های نادرست و نگرش‌های میانه به فعالیت و تلاش و معشیت انسان جهت داده و فرهنگ کسب رزق قرآنی را در متن زندگانی مردم قرار می‌دهد.

• واژه‌های کلیدی:

رزق؛ رزاق؛ انواع رزق؛ رزق کریم؛ انفاق رزق؛ طیبات رزق؛ رزق بی‌حساب؛ رزاقیت خداوند؛ طلب رزق؛ تقدیر معشیت.

• معنای (رزق):

(رزق)، گاهی برعطای جاری در دنیا یا آخرت گفته می‌شود و گاهی به بهره و نصیب و گاهی

ذوالقوه المتین»^(۸) همانا خداوند بسیار روزی دهنده و صاحب نیروی استوار است. آنچه از این آیه حاصل می‌گردد این است که رزق در حقیقت جز به خدای متعال نسبت داده نمی‌شود زیرا مقام، مقام حصر است (منحصر کردن رزاقیت در خدا)^(۹) و آنجا که رزق به غیر خدا نسبت داده شده، مانند آیه شریفه «وارزقوهم فیها واکسوهم»^(۱۰) از مال سفیهان به اندازه نیازشان به آنها روزی و پوشاک بدهید، از قبیل نسبت به غیر حقیقی است.^(۱۱) چنانکه ملک و عزت به حسب ذات از آن خدای متعال است و برای غیر خدا به وسیله اعطاء و اجازه اوست. پس تنها خدا رزاق است.^(۱۲)

• انواع (رزق):

رزق بر حسب اعتبارات به انواع مختلف تقسیم می‌شود:

الف: رزق حلال و رزق حرام:
رزق حلال: به رزقی گفته می‌شود که از طریق مشروع (طبق نظر دین) به دست آمده

نشده است و جدا یاد شده. آنگاه معنای رزق توسعه یافته و بر هر چیز نافع و سودمندی که (به شئی و شخص) برسد رزق گفته می‌شود، اگر چه غذا نباشد؛ مانند همه مزایای حیات از مال و جاه و عشیرت و اولاد و جمال و علم و غیره، مانند این آیه: «ام تسئلهم خرجاً فخراج ربك خير و هو خير الرازقین»^(۱۳) آیا از این مردم درخواست مزد می‌کنی و حال آن که مزد پرورگارت بهتر است و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است که در این آیه مزد رسالت که خدا به پیامبرش می‌دهد رزق شمرده شده است. و مانند این آیه: «یا قوم ارایتم ان کنت علی بینه من ربی و رزقی رزقنا حسنا»^(۱۴) ای قوم من خبر دهید که اگر من بر دلیل روشنی از جانب پروردگار باشم و رزق نیکویی روزی من کرده باشد... که در آیه، نبوت و علم رزق شمرده شده و شواهد دیگر قرآنی.^(۱۵)

• ((ااق:))

در قرآن کریم آمده است: «ان الله هو الرزاق



باشد.

تبارک و تعالی فرموده است: «هر که باک نداشته باشد که از چه راهی دینار و درهم به دست می‌آورد من هم باکی ندارم که روز قیامت از کدام در او را به دوزخ وارد کنم».^(۱۸) همچنین حضرت فرموده‌اند: «هرگاه لقمه‌ای از حرام در شکم بنده قرار گیرد هر فرشته‌ای در آسمان‌ها و زمین او را لعنت می‌کند».^(۱۹)

- سؤال قابل طرح این است که اگر روزی دهنده هر بنده‌ای خداست و آنکه از راه حرام کسب معاش می‌کند گناهکار است، چگونه خداوند نسبت گناه (روزی او را به خود) می‌دهد و حال آنکه به حسب عقل و نقل هر نسبت گناهی از خدا نفی شده است و او منزّه است از اینکه چیزی را نهی کند و آنگاه به آن فرمان دهد و یا چیزی را نهی کند و راه رزق را در آن منحصر سازد؟

پاسخ این سؤال این است که رازقیت عامی که خداوند در قرآن بیان فرموده^(۲۰) برحسب تکوین است نه تشریح، توضیح اینکه: همه چیزهایی که آدمیان یا موجودات دیگر در این عالم از آن بهره می‌برند خداوند آفریده و راه استفاده از آنها را برای ایشان مقرر فرموده است، هرچه هر انسانی می‌خورد و می‌نوشد و می‌پوشد و... خدا آفریده و در دسترس او

رزق حرام: به رزقی گفته می‌شود که از طریق نامشروع و برخلاف نظر دین به دست آمده باشد.

در این ارتباط رسول گرامی اسلام (ص) فرموده‌اند: «العبادة سبعون جزء وافضلها جزء طلب الحلال»^(۲۱) - عبادت هفتاد بخش است و بهترین بخش آن طلب رزق حلال است.

همچنین حضرت فرموده‌اند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَذِبَةٍ حَلَالًا فَتَحَّ لَهُ ابْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ»^(۲۲) هر کس از دسترنج خود به طور حلال روزی بخورد خداوند درهای بهشت را به روی او می‌گشاید که از هر دری می‌خواهد وارد شود. و همچنین حضرت فرموده‌اند: «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة»^(۲۳) طلب روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است. و هر کس از حلال بخورد فرشته‌ای بر سر او می‌ایستد و برای او استغفار می‌کند تا از خوردن فارغ شود.^(۲۴)

رسول گرامی (ص) اسلام در باره رزق حرام فرموده‌اند: «من اكتسب مالاً من غیر حله كان زاده الى النار»^(۲۵) هر کس مالی را از غیر حلال به دست بیاورد همان توشه او به سوی آتش دوزخ است. همچنین فرموده‌اند که خدای

قرار داده است، پس خداوند رازق و رزاق همه است، مؤمن باشد یا کافر، متقی باشد یا فاجر.

ولی برحسب تشریح، خداوند مقرر فرموده که این مواهب خدادادی را از راه مشروع، یعنی مطابق دستور او به دست آورند و به طریق مشروع هم مصرف کنند، و در این صورت است که رزق به صفت حلال متصف می‌گردد، و هرگاه از طریق نامشروع به دست آورند و مصرف کنند به صفت حرام متصف می‌گردد، و از این جهت روانیست به خدا نسبت داده شود، هر چند برحسب تکوین و آفرینش هر دو از خداست.

و خلاصه: همه وظیفه خوار و جیره خوار خداوندند، چیزی که هست بعضی این جیره را از راهی که او مقرر کرده می‌گیرند و بعضی از غیر آن راهی که مقرر فرموده است.^(۲۱)

ب: رزق طالب و رزق مطلوب: امام علی (ع) در وصیت‌نامه خود به فرزندش امام مجتبی (ع) می‌فرماید: «واعلم یا بنی ان الرزق رزقان. رزق طلبه و رزق یطلبک. فان لم تأتہ اتاک»^(۲۲) ای فرزند من! روزی بر دو قسم است، یکی آن که تو در پی آنی، و دیگری آنکه او

به دنبال تو می‌گردد، که اگر تو به سوی او نروی او به سوی تو می‌آید.

و نیز می‌فرماید: «الرزق رزقان طالب و مطلوب فمن طلب الدنيا طلبه الموت حتی یخرجہ منها و من طلب الآخرة طلبته الدنيا حتی یستوفی رزقه منها»^(۲۳) روزی، دو نوع است، یکی تو را می‌جوید و دیگری را تو می‌جویی، پس کسی که دنیا خواه باشد (برای روزی به هر راهی برود) مرگ او را می‌جوید تا از دنیا بیرونش برد، و کسی که طالب آخرت باشد (و بیش از نیاز و حد مشروع برای روزی تلاش نکند) دنیا او را می‌جوید تا از آن، روزی خود را کامل بستاند. (تا آن شخص روزی کامل خود را از دنیا بگیرد) و نیز می‌فرماید: «الرزق رزقان: رزق طلبه و رزق یطلبک فان لم تأتہ اتاک، فلا تحمل هم ستنک علی هم یومک، کفاک کل یوم ما فیہ، فان تکن السنه من عمرک فان الله تعالی سیؤتیک فی کل غد جدید ما قسم لک، و ان لم تکن السنه من عمرک فما تصنع بالهم لما لیس لک، ولن یسبقک الی رزقک طالب و لن یقلبک علیہ غالب و لن یطی عنک ما قد قدر لک»^(۲۴) روزی دو گونه است روزی که تو می‌جوی و روزی که ترا می‌جوید، که اگر توبه سویش نروی او به سویت خواهد آمد،

در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید در ذیل جمله‌ای که از نامه امام به فرزندشان نقل شد می‌نویسد:

این مطلب درست و مطابق با واقع است، زیرا رازقیت بر حسب علم او نسبت به مصلحت مکلف است، پس گاهی روزی او بدون اکتساب و زحمت تلاش و رنج کوشش، حاصل می‌شود و گاهی هم با اکتساب و تلاش و کوشش^(۲۷) بنا بر این رزق طالب همان رزق بدون رنج است و رزق مطلوب، رزق همراه با رنج اکتساب، و همانطور که در روایت منقول از امام هشتم (ع) آمده است در این مورد است که انسان باید مواظب باشد از حلال طلب کند و دنبال حرام نرود و اگر دنبال حرام رفت بالاخره روزی، همان است و خود آن را حرام کرده است.

ج - رزق تکوینی و رزق تشریحی: در ضمن بیان رزق حلال و رزق حرام به این مطلب اشاره‌ای شد و توضیح این است که خداوند چون خالق همه موجودات است، روزی آنها را نیز برعهده گرفته است؛ چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: «و ما من دابه فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها»^(۲۸) جنبه‌ای در زمین نیست جز اینکه روزی او بر خداست و جای ثابت و

پس اندوه سال خود را بر اندوه روز خویش بار مکن، که روزی هر روز تو را بس است، پس اگر آن سال در شمار عمر تو آید، خدای بزرگ در فردای هر روز آنچه قسمت تو کرده است به تو می‌دهد، و اگر آن سال در شمار عمر تو نیست، پس غم تو بر آنچه از آن تو نیست چیست؟ و در آنچه روزی تو است هیچ خواهنده‌ای بر تو سبقت نگیرد و هیچ غالبی بر تو چیره نگردد و آنچه برایت مقدر شده تأخیر نپذیرد.^(۲۵)

و از امام رضا (ع): «اتق فی طلب الرزق واجمل بالطلب واحفظ فی المكسب، واعلم ان الرزق رزقان: فرزق تطلبه و رزق یطلبک فاما الذی تطلبه فاطلبه من حلال فان اكله حلال ان طلبته فی وجهه والا اکلته حراما و هو رزقک لابلده من اكله» در طلب روزی تقوا را رعایت کن و حد اعتدال و جمیل را در طلب روزی در پیش گیر، و کسب خود را از آلوده شدن به حرام حفظ کن و بدان که روزی دو گونه است: روزی که تو در طلب آنی و روزی که آن طالب توست. پس آن رزقی را که تو می‌طلبی از طریق حلال دنبال کن، زیرا از خوردن آن گریزی نداری،^(۲۶) (و اگر حرامش کرده‌ای خود کرده‌ای).



است. «مانند آیه «شریفه فالذین امنوا و عملوا الصالحات لهم مغفره و رزق کریم، والذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم»^(۲۹) کسانی که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام دادند آمرزش و رزق کریم از آن ایشان است، و کسانی که در محور آیات ما تلاش کردند و پنداشتند ما را در مانده می کنند اینان یاران دوزخند.

که از مقابله جزای این دو دسته معلوم می شود که رزق کری، م بهشت و نعم بهشتی است، و جالب آن که در عموم آیاتی که رزق کریم یاد شده، پیش از آن مغفرت آمده است.^(۳۰)

و رزق کریم آن روزی است که همراه با کرامت باشد و روزی بهشتیان است که به طور قطع همراه با کرامت است، زیرا بهشت جای اهل تقوی است و بیشترین کرامت را خداوند از آن اهل تقوی یاد نموده است «ان اکر مکم عندالله اتقاکم»^(۳۱) و در مقابل روزی کریم روزی است که همراه با ذلت و خواری باشد و آن طعام دوزخیان است خداوند می فرماید:

«ان شجره الزقوم طعام الایم..... ذق انک انت العزیز الکریم»^(۳۲) درخت زقوم خوراک گناهکاران است..... به آنها گفته می شود بچش که تو آن فردی هستی که پنداشتی عزیز و بزرگواری.

متغیر آن را هم می داند. خداوند در عالم وجود، هر موجودی را که آفریده و نیاز به تأمین زندگی دارد موادی را که زندگی او را تأمین کند و اسباب داخلی و راهنمایی های طبیعی را هم برای او انجام داده تا بتواند به حیات خود ادامه دهد و این رزاقیت عام خداوندی که همه از آن بهره مندند و این کرم خداوندی است که همه از آن بهره ور و وظیفه خوارند و اوست که حاجت موری را به علم غیب در بن چاهی به زیر صخره صماء می داند و تأمین می کند.

ولی خداوند برای بشر در رابطه با تحصیل این مواد که روزی او را تأمین می کند مقررات و احکامی قرار داده است، که اگر از راه آن مقررات مواد روزی را به دست آورد حلال و طیب است و اگر از غیر آن راه به دست آورد حرام و پلید است و این قسم روزی را روزی تشریحی می گویند که در واقع همان روزی تکوینی است ولی راه تحصیلش متفاوت است.

۵- رزق کریم: در مواردی از قرآن کریم از بعضی از روزی ها به «رزق کریم» یاد شده است، علامه طباطبائی (ره) می نویسد: «خداوند از روزی کریم، بهشت و نعمت های بهشت را در مواردی از کلام خود اراده کرده

البته در دنیا نیز رزق کریم و غیر کریم می‌تواند مصداق داشته باشد، آن روزی که عزت و کرامت و شرافت و مناعت نفس آدمی را حفظ کند، رزق کریم است. اگرچه از کمیت و کیفیت بالایی برخوردار نباشد. و آن روزی که با دنائت نفس و زبونی و ذلت همراه باشد روزی پست است. انوری می‌گوید:

آلوده منت خسان کم شو

تا یک شبه در وثاق تو نان است

یک نفس به رسته قناعت شو

کاجا همه چیز نیک ارزان است

تا بتوانی حذر کن از منت

کاین منت خلق کاهش جان است

چندانکه مروت است در دادن

در ناستدن هزار چندان است

هد - روزی گشاده و روزی تنگ: در

قرآن کریم آیات متعددی است که مفاد آنها

این است که خداوند روزی هر کس را که

بخواهد گشاده می‌کند و روزی هر کس را

بخواهد تنگ می‌گرداند. مانند: «الله یبسط

الرزق لمن یشاء و یقدر»^(۳۳) خداوند روزی هر

کس را بخواهد گشاده می‌کند و یا تنگ

می‌کند و نیز می‌فرماید «ان ربك یبسط الرزق

لمن یشاء و یقدر انه کان بعباده خبیرا بصیرا»^(۳۴)

پروردگار روزی را گشاده می‌کند برای هر

کس که بخواهد و تنگ می‌گرداند. او نسبت

به بندگانش آگاه و بیناست، و نیز می‌فرماید:

«الله یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له

ان الله بکل شیء علیم»^(۳۵) خداوند گشاده

می‌کند روزی را برای هر که از بندگانش که

بخواهد و تنگ می‌کند برای هر که بخواهد و

در سوره روم آمده است که:

«واذا اذقنا الناس رحمہ فرحوا بها و ان تصبهم

سیئه بما قدمت ایدیم اذاهم یقنطون. اولم یروا

ان الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر ان فی ذلک

لآیات لقوم یؤمنون»^(۳۶)

(هرگاه رحمتی را به این مردم بچشانیم به آن

شاد می‌گردند و اگر به واسطه کردار بدشان

بدی به آنها برسد در آن ناامید می‌شوند، آیا

نمی‌دانند که خداوند است که گشاده می‌کند

روزی را برای هر که بخواهد و تنگ می‌گیرد،

در این کار خدا، نشانه‌هایی است برای

گروهی که ایمان می‌آورند.)

علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه اول

می‌نویسد: «مراد این است که مردم نسبت به

نعمت یا نعمتی که به آنها می‌رسد سطحی

نگرند، هرگاه نعمتی را یافتند به آن شاد

می‌گردند، بدون اینکه بدانند آن نعمت با

اراده حق تعالی به آنها رسیده و اگر مصیبتی به

آنها وارد شود ناامید می گردند، گویا نمی دانند که مصیبت نیز به اذن پروردگار به انسان می رسد و اگر او اذن ندهد مصیبتی بر انسان وارد نمی شود.»

و در ذیل آیه دوم می نویسد: این آیه، خطای انسان را در مبادرت به شادی و ناامیدی را هنگام چشیدن رحمت و برخورد با مصیبت بیان می کند، زیرا انسان فکر می کند وسعت روزی و یا تنگی آن به دست اوست و هرگاه وسعت در روزی برای او پیدا شده همواره هست و از این جهت شاد می گردد، و اگر تنگی معشت پیش آمد نیز همواره گرفتار آن است و از این رو ناامید می گردد ولی اگر بداند که وسعت و تنگی روزی تابع مشیت الهی است و برای هر دو امکان زوال هست، نه موجبی برای شادی او و نه علتی برای ناامیدی او خواهد بود. (۳۷)

و اما اینکه فراخی و تنگی روزی به دست خداست و قرآن آن را به عنوان یک امر قطعی و مشهود برای انسان یاد می کند (اولم یروا) از این جهت است که رزقی که به دست انسان می رسد یا به دست می آورد، وجود آن متوقف بر هزارن هزار سبب و شرط است که تلاش آدمی به عنوان یک سبب به شمار می آید و عموم اسباب به خدای متعال منتهی

می گردد. پس خداست که عطا می کند و منع می نماید و روزی را فراخ می کند یا تنگ می نماید. (۳۸)

نکته ای را که درباره فراخی و تنگی روزی نباید از نظر دور داشت، نقش خود انسان در فراخی و تنگی روزی است، درست است که فراخی و تنگی روزی متوقف بر مشیت الهی است ولی نباید مشیت الهی را بدون حساب تلقی کرد، بلکه مشیت او از روی علم و حکمت است و تا محلی قابل فراخی یا تنگی روزی نباشد خداوند روزی او را فراخ یا تنگ نمی کند. در آیه ای که یاد شد اگر دقت شود بعد از آنکه می فرماید خداست که روزی را برای هر که بخواهد فراخ یا تنگ می کند، در یک جا می فرماید: «انه كان بعباده خبيراً بصيراً» و در جای دیگر می فرماید: «ان الله بكل شيء عليم» یعنی این فراخی و تنگی روزی بندگان، بر مبنای علم و حکمت خداوند است.

و از طرف دیگر نباید پنداشت که فراخی و تنگی روزی یک فضای حتمی و غیرقابل تغییر است و گمان کرد که:

گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه

به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد
بلکه هر دو دگرگونی پذیر و قابل زوال است،
قرآن کریم می فرماید:

«ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم
برکات من السماء والارض ولكن کذبوا
فاخذناهم بما كانوا یکسبون»^(۳۹) (و اگر اهل
شهرستان‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه
می‌کردند برکات آسمان و زمین را به روی
آنان می‌گشودیم ولی آیات ما را تکذیب
کردند از این رو به واسطه اعمالشان ایشان را
مؤاخذه نمودیم.)
در کتب حدیث، روایات فراوانی درباره
اعمالی که روزی را وسعت می‌بخشد و یا
اعمالی که موجب فقر و تنگی روزی می‌شود
آمده است. در سفینه البحار حدود چهل عمل
را یاد می‌کند که مؤثر در وسعت روزی است،
از آن جمله: صلّه رحم، حسن رفتار با همسایه،
تعقیب نماز صبح و عصر، صبح زود برای
طلب روزی بیرون آمدن، همواره با طهارت
بودن، اجابت مؤذن، ترک حرص، شکر
نعمت، اجتناب از قسم دروغ، شستن دست
قبل از طعام، هر روز سی مرتبه سبحان‌الله
گفتن، استغفار و نماز شب...^(۴۰) و در
نهج البلاغه آمده است که: «الاستغفار تسبیحا
لدرور الرزق»^(۴۱) طلب آمرزش از خدا، سبب
ریزش و فراوانی روزی است و نیز
«استرلوا الرزق بالصدقه»^(۴۲) به واسطه صدقه
دادن، طلب نزول روزی کنید.

و نیز می‌فرماید: «الزکوة تسبیحا للرزق»^(۴۳)
زکات دادن، سبب وسعت روزی می‌شود.
و نیز در سفینه البحار اعمالی یاد شده که
موجب فقر و تنگی روزی می‌شود از آن
جمله:

قسم دروغ، زنا، عادت به دروغ، کثرت
استماع غناء، اندازه‌گیری نکردن در معیشت،
ترک فامیل، خواب میان نماز مغرب و عشاء و
پیش از طلوع خورشید، دست نشستن هنگام
غذا، ظروف ناشسته در شب گذاردن، و
استخفاف به نماز...^(۴۴)

و از امام صادق (ع) آمده که: «کثرة السحت
یمحق الرزق»^(۴۵) مال حرام خوردن روزی را
از بین می‌برد. و از امام مجتبی (ع) آمده است
که: «ترک الزنا و کنس الفناء و غسل الائناء
مجلبه للغنئی»^(۴۶) ترک زنا و رفتن جلوی در
خانه و شستن ظروف غذا، توانگری می‌آورد.
و از طرفی، دعا برای وسعت روزی، یکی از
اموری است که در روایات سفارش شده و
کمتر دعای مأثوری است که در آن از خدا،
وسعت روزی، روزی حلال و طیب خواسته
نشده باشد.

امام علی (ع) در وصیت‌نامه خود به فرزندشان
امام مجتبی (ع) می‌فرماید: «ثم جعل فی
یدیک مفاتیح خزائنه بما اذن لک فیه من

عمری و توسع علی رزقی و تؤدی عنی امانتی و دینی آمین رب العالمین»^(۵۰) و در آنچه مقدر می کنی قرار داده که عمر من دراز و روزی من وسیع و امانت من ادا شود، ای پروردگار جهانیان مستجاب کن!

نتیجه‌ای که از این مبحث حاصل شد این است که در عین حال که فراخی و تنگی روزی به دست خداست و اوست که روزی را فراخ یا تنگ می کند، خودش وسائلی را معین نموده که توسط آنها می توان روزی را فراخ و یا تنگ نمود، البته باز، فراخی دهنده و تنگ کننده، خداست.

و- رزق حسن: در پاره‌ای از آیات، قرآن رزق را به صفت حسن ستوده است، مانند: آنچه از شعیب پیامبر در گفتگوی با قومش حکایت شده «یا قوم ارایتم ان کنت علی بینه من ربی و رزقا حسنا» ای قوم من خبر دهید اگر من بر دلیل آشکاری از جانب پروردگارم باشم و روزی نیکویی به من داده باشد.

در تفسیر المیزان در ذیل این آیه آمده است که مراد از رزق حسن، وحی نبوت است، که مشتمل بر اصول معارف و شرایع است.^(۵۱) و در سوره نحل در دو مورد رزق حسن به کار رفته، یکی در مورد محصولات حلال، خرما و انگور^(۵۲) و دیگر در مورد کسی که به نعم

مسألته، فمتی شئت استفتحت بالدعاء ابواب نعمته»^(۴۷)

(آنگاه خداوند کلیدهای خزینه‌های خود را در دو دست تو قرار داد، بدینگونه که به تو اجازه داد که از او مسألت نمایی، پس هر زمان بخواهی می توانی به وسیله دعا، درخواست کنی که درهای نعمت را به روی تو بگشاید.)

و در بخش دیگر مهمترین درخواست را سه چیز می شمارد:

«و سألته من خزائن رحمة مالا یقدر علی اعطائه غیره، من زیاده الاعمار و صحه الابدان و سعه الارزاق»^(۴۸) (و از خزائن رحمت خداوند چیزی را درخواست کن که دیگری بر دادن آن توانائی ندارد، مانند: افزایش در عمر و تندرسی و وسعت رزق.)

و کمتر دعایی است که در کتب ادعیه آمده و در آن درخواست وسعت روزی و روزی حلال و طیب نشده، از آنجمله در دعای ابو حمزه در چند مورد این درخواست شده است، مانند: «وارزقنی من فضلک رزقا واسعا حلالا طیبا» و مانند: «اللهم اعطنی السعه فی الرزق» و نیز «وارزقنی رزقا واسعا من فضلک الواسع»^(۴۹) و در دعاهای ماه مبارک رمضان می خوانیم «واجعل فیما تقضی و تقدر ان تطیل

الهی متنعم شده و هرگونه انفاق را انجام می دهد. (۵۳)

و در سوره حج از پاداش هجرت و شهادت به رزق حسن، تعبیر شده است. (۵۴)

و از مجموع می توان استفاده کرد که رزق حسن، رزقی است از آلودگی منزّه و یا از معنویت و الایی برخوردار باشد.

پانوشته ها:

۱- المفردات اثر راغب اصفهانی، ص ۱۹۴.

۲- منتهی الادب فی لغات العرب ج ۲، باب رزق.

۳- تفسیر المیزان اثر علامه سید محمدحسین طباطبایی، ذیل تفسیر آیات مربوط به رزق.

۴- قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۳۳.

۵- قرآن کریم، سوره مومنون آیه ۷۳.

۶- قرآن کریم، سوره هود آیه ۸۸.

۷- تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۴۶ (چاپ عربی - بیروتی).

۸- قرآن کریم، سوره ذاریات آیه ۵۸.

۹- حصر به واسطه ضمیر فصل و خبر محلی به الف و لام است.

۱۰- قرآن کریم، سوره نسا آیه ۴.

۱۱- یعنی سبب به جای مسبب قرار گرفته است.

۱۲- تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۴۶ (چاپ عربی - بیروتی).

۱۳ تا ۱۹ - بحارالانوار، مجلد ۱۰۲ ص ۹ تا ۱۲.

۲۰- «وما من دابه فی الارض الا علی الله رزقها»، سوره هود آیه ۶.

۲۱- حدیث امام علی (ع) و اعرابی و مهار شتر، که خواهد آمد.

۲۲- شرح نهج البلاغه فیض الاسلام نامه ۳۱ بخش ۱۰۶

۲۳- همان، حکمت ۴۲۳

۲۴- همان، حکمت ۳۷۱

۲۵- و ينظرما فی البحار ج ۱۰۳ ص ۲۱-۲۹

۲۶- بحارالانوار ج ۱۰۳ ص ۲۱

۲۷- ج ۱۶ ص ۱۱۴.

۲۸- سوره هود، آیه ۶.

۲۹- سوره حج، آیه ۵۱

۳۰- رزق کریم در آیات ۴ و ۷۴ سوره انفال و ۵۰ حج و

۲۶ نور و ۴ سبا آمده و تنها در آیه ۳۱ احزاب بدون مغفرت آمده است.

۳۱- حجرات، آیه ۱۲.

۳۲- سوره دخان، ۴۸-۴۴.

۳۳- سوره رعد، آیه ۲۶

۳۴- الاسراء، آیه ۳۰

۳۵- سوره عنکبوت، آیه ۶۲

۳۶- آیه ۳۶ و ۳۷

۳۷- البته مقصود از فرح شادی مفرط است که موجب غفلت می گردد.

۳۸- المیزان، ج ۱۶، ص ۱۹۳-۱۹۲، با اندک توضیح.

۳۹- سوره اعراف، ۹۶.

۴۰- سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۲۰-۵۱۹.

۴۱- خطبه ۱۴۳، بخش ۴

۴۲- قصار ۱۳۷.

۴۳- قصار ۲۵۲.

۴۴- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۱.

۴۵- همان، ج ۱، ص ۵۲۰.

۴۶- همان، ج ۱، ص ۵۲۰.

۴۷- نامه ۳۱ نهج البلاغه، بخش ۷۱.

۴۸- همان، بخش ۷۰.

۴۹- مفاتیح الجنان، ص ۳۳۴ تا ۳۵۸.

۵۰- همان، ص ۳۱۶.

۵۱- ج ۱۰ ص ۲۸۴.

۵۲- سوره نحل، ۶۷.

۵۳- همان، آیه ۷۵.

۵۴- سوره حج، آیه ۵۸.